



# عهدنامه مالک اشتر

نامه ۵۳ نهج البلاغه

ترجمه استاد دشتی

منتشر در حکومت صالحان

کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حساب خود و خودخواهی خود، معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه‌ای است دارای ابعادی به اندازه یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هرچه تاریخ به پیش رود و هرچه جامعه‌ها به وجود آید

حضرت امام خمینی (ره)

چاپ این نشریه تحت عنوان غیر از جنبش عدالتخواه دانشجویی کاملاً مجاز و شرعی میباشد!

برای دریافت جزوات بیشتر به سایت [www.edalatkhahi.ir](http://www.edalatkhahi.ir) مراجعه نمایید.

[www.edalatkhahi.ir](http://www.edalatkhahi.ir)

آدرس: خیابان انقلاب - چهارراه کالج  
- جنب بانک ملت - پلاک ۷۱۳ جدید - طبقه اول  
تلفن: ۸۸۹۳۸۸۲۱ و ۸۸۹۳۹۸۳۵ شماره: ۸۸۹۳۹۸۳۵

جنبش عدالتخواه دانشجویی

جنبش عدالتخواه دانشجویی

به نام خداوند بخشنده مهربان، این فرمان بنده خدا علی امیر مومنان، به مالک‌اشتر پسر حارث است، در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد. ضرورت خودسازی او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه که در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنتها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد، و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد گردید. به او فرمانی می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد، و بزرگ دارد آن کس را که او بزرگ شمارد. و به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد، و به هنگام سرکش رامش نماید، که (همانا نفس همواره به بدی وامی‌دارد جز آنکه خدا رحمت آورد).

پس ای مالک بدان! من تو را به سوی شهرهایی فرستادم که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم رانند، و مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و درباره تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی، و همانا نیکوکاران را به نام نیکی توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری ساخت. پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد، هوای نفس را در اختیار گیر، و از آنچه حلال نیست خویشتن داری بکن، زیرا بخل ورزیدن به نفس خویش، آن است که در آنچه دوست دارد، یا برای او ناخوشایند است، راه انصاف پیمایی. اخلاق رهبری (روش برخورد با مردم) مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده، و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند، اگر گناهی از آنان سر می‌زند، یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را بخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشاید و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر، و امام تو از تو برتر، و خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد والاتر است، که انجام امور مردم مصر را به تو واگذارده، و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است، هرگز با خدا مستیز، که تو را از کیفر او نجاتی نیست، و از بخشش و رحمت او بی‌نیاز نخواهی بود، بر بخشش دیگران پشیمان باش، و از کیفر کردن شادی مکن، و از خشمی که توانی از آن رها گردی شتاب نداشته باش، به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، باید اطاعت شود، که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده، و موجب زوال نعمت‌هاست. و اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگی بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از تو است بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تندروی تو را فرو می‌نشاند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند. پرهیز از غرور و خودپسندی پرهیز که در بزرگی خود را همانند خداوند پنداری، و در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد، و هر خودپسندی را بی‌ارزش می‌کند، با خدا و با مردم، و با خویشاوندان

نهاده، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: (دشمنی بزرگ نزد خدا آنکه بگوییید و عمل نکنید). چهارم - هشدار از شتابزدگی مبدا هرگز! در کاری که وقت آن فرا نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده سستی ورزی، و یا در چیزی که روشن نیست سستیزه‌جویی نمایی و یا در کارهای روشن کوتاهی کنی، تلاش کن تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی. پنجم - هشدار از امتیازخواهی مبدا هرگز! در آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی خواهی، و از اموری که بر همه روشن است، غفلت نداشته باش، زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی، و به زودی پرده از کارها یک سو رود، و انتقام ستم‌دیده از تو باز می‌گیرند، باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست، تندی زبانت، را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتابزدگی، و فروخوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرونشیند و اختیار نفس در دست تو باشد. و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا.

آنچه بر تو لازم است آن که، حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های بارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان، و آثار پیامبر (ص) و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یاد آوری، و به آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی، و برای پیروی از فرامین این عهدنامه‌ای که برای تو نوشته‌ام، و با آن حجت را بر تو تمام کرده‌ام، تلاش کن، زیرا اگر نفس سرکشی کرد و بر تو چیره شد عذری نزد من نداشته باشی.

از خداوند بزرگ با رحمت گسترده، و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها، درخواست می‌کنیم که به آنچه موجب خشنودی اوست ما و تو را موفق فرماید، که نزد او و خلق او، دارای عذری روشن باشیم، برخوردار از ستایش بندگان، یادگار نیک در شهرها، رسیدن به همه نعمتها، و کرامتها بوده، و اینکه پایان عمر من و تو را به شهادت و رستگاری ختم فرماید، که همانا به سوی او باز می‌گردیم، با درود به پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت پاکیزه و پاک او، درودی فراوان و پیوسته. با درود.

روش برخورد با دشمن هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان، و آرامش فکری تو، و امنیت کشور در صلح تامین می‌گردد. لکن زنهار! زنهار! از دشمن خود پس از آشتی کردن، زیرا گاهی دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند، پس دوراندیش باش، و خوشبینی خود را متهم کن. حال اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش، و آنچه برعهده گرفتی امانت‌دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند. تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند، زیرا که آینده ناگوار پیمان‌شکنی را آزمودند، پس هرگز پیمان‌شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را فریب مده، زیرا کسی جز نادان بدکار، بر خدا گستاخی روا نمی‌دارد، خداوند عهد و پیمانی که با نام او شکل می‌گیرد با رحمت خود مایه آسایش بندگان، و پناهگاه امنی برای پناه‌آوردگان قرار داده است، تا همگان به حریم امن آن روی بیاورند. پس

فساد، خیانت، فریب، در عهد و پیمان راه ندارد، مبدا قراردادی را امضا کنی که در آن برای دغلكاری و فریب راههایی وجود دارد، و پس از محکم‌کاری و دقت در قرارداد نامه، دست از بهانه‌جویی بردار، مبدا مشکلات پیمانی که بر عهدات قرار گرفته، و خدا آن را بر گردنت نهاده، تو را به پیمان‌شکنی وادارد، زیرا شکیبایی تو در مشکلات پیمانها که امید پیروزی در آینده را به همراه دارد، بهتر از پیمان‌شکنی است که از کيفر آن می‌ترسی، و در دنیا و آخرت نمی‌توانی پاسخ‌گوی پیمان‌شکنی باشی.

هشدارها اول - هشدار از خون ناحق از خونریزی پرهیز، و از خون ناحق پروا کن، که هیچ چیز همانند خون ناحق کيفر الهی را نزدیک، مجازات را بزرگ، و نابودی نعمتها را سرعت، و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند، و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خونهای ناحق ریخته‌شده داوری خواهد کرد، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن. زیرا خون ناحق حکومت را سست، و پست، و بنیاد آن را برکنده به دیگری منتقل سازد، و تو، نه در نزد من، و نه در پیشگاه خداوند، عذری در خون ناحق نخواهی داشت چرا که کيفر آن قصاص است و از آن گریزی نیست، اگر به خطا خون کسی ریختی، یا تازیانه یا شمشیر، یا دست دچار تندروی شد، که گاه مستی سبب کشتن کسی می‌گردد، چه رسد به بیش از آن، مبدا غرور قدرت تو را از پرداخت خونبها به بازماندگان مقتول باز دارد!

دوم - هشدار از خودپسندی مبدا هرگز! دچار خودپسندی گردی! و به خوبیهای خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که اینها همه از بهترین فرصتهای شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک، نیکوکاران را نابود سازد. سوم - هشدار از منت‌گذاری مبدا هرگز! با خدمتیهایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آن چه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی، منت

نزدیک، و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن. که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی، و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا بجای بندگانش دشمن او خواهد بود، و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند، و کيفر او را نزدیک نمی‌سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود، و در کمین ستمکاران است. مردم‌گرایی، حق‌گرایی دوست داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه‌ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. خواص جامعه همواره بار سنگینی را بر حکومت تحمیل می‌کنند زیرا در روزگار سختی یاریشان کمتر، و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر، و در خواسته‌هایشان پافشارتر، و در عطا و بخشش‌ها کم‌سیاس‌تر، و به هنگام منع خواسته‌ها دیر عذر پذیرتر، و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتیکه ستونهای استوار دین، و اجتماعات پرشور مسلمین، و نیروهای ذخیره دفاعی، عموم مردم می‌باشند، پس به آنها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد.

ضرورت رازداری از رعیت، آنان که عیبجو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که والی در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه که هویداست بیوشانی، که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند، گره هر کینه‌ای را در مردم بگشای، و رشته هر نوع دشمنی را قطع کن، و از آنچه که در نظر روشن نیست کناره گیر، در تصدیق سخن چین شتاب مکن، زیرا سخن چین گرچه در لباس اندرزدهنده ظاهر می‌شود اما خیانتکار است. جایگاه صحیح مشورت بخیل را در مشورت کردن، دخالت نده، که تو را از نیکوکاری باز می‌دارد، و از تنگدستی می‌ترساند، ترسو را در مشورت کردن دخالت نده، که در انجام کارها روحیه تو را سست می‌کند. حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.

بدترین وزیران تو، کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده، و در گناهان آنان شرکت داشت، پس مبدا چنین افرادی محرم راز تو باشند، زیرا که آنان یاوران گناهکاران، و یاری دهندگان ستمکارانند، تو باید جانشینانی بهتر از آنان داشته باشی که قدرت فکری امثال آنها را داشته اما گناهان و کردار زشت آنها را نداشته باشند. کسانی که ستمکاری را بر ستمی یاری نکرده، و گناهکاری را در گناهی کمک نرسانده باشند، هزینه این گونه از افراد بر تو سبک‌تر، و یاریشان بهتر، و مهربانی‌شان بیشتر، و دوستی آنان جز با تو کمتر است، آنان را از خواص، و دوستان نزدیک، و رازداران خود قرار ده، سپس از میان آنان افرادی را که در حق‌گویی از همه صریح‌ترند، و در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند. اصول روابط اجتماعی رهبران تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بییوند، و آنان را چنان

پرورش ده که تو را فراوان نستایند، و تو را برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند، که ستایش بی‌اندازه خودپسندی می‌آورد، و انسان را به سرکشی وامی‌دارد.

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند. زیرا نیکوکاری در نیکوکاری بی‌ربطت، و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده. بدان ای مالک! هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم، و تخفیف مالیات، و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نمی‌باشد، پس در این راه آنقدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوشبین شوی، که این خوشبینی بار سنگین رنج‌آور مشکلات را از تو برمی‌دارد، پس به آنان که بیشتر احساس کردی بیشتر خوشبین باش، و به آنان که بدرفتاری نمودی بدگمان تر باش. و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند، و ملت اسلام با آن پیوند خورده، و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن، و آدابی که به سنتهای خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور، که پاداش برای آورنده سنت، و کیفر آن برای تو باشد که آنها را درهم شکستی. با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.

شناخت اقشار گوناگون اجتماعی ای مالک بدان! مردم از گروههای گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد، و هیچ یک از گروهها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشگریان خدا، و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران، و طبقه پایین جامعه از نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته، و مقدار واجب آن را در قرآن یا سنت پیامبر (ص) تعیین کرده، که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است. پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین، و راههای تحقق امنیت کشورند، امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند، و نیازمندیهای خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند، و آن قضات، و کارگزاران دولت، و نویسندگان حکومتند، که قراردادهای و معاملات را استوار می‌کنند، و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند، و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند. و گروههای یادشده بدون بازرگانان، و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسائل زندگی را فراهم می‌آورند، و در بازارها عرضه می‌کنند، و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمندانند که باید به آنها بخشش و یاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یادشده، در پیشگاه خدا گشایشی است، و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار حقی مشخص دارند، و زمامدار از انجام آنچه خدا بر واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آنکه تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق آماده سازد، و

کارگزاران دولتی، در آنجا که منشیان تو از پاسخ دادن به آنها درمانده‌اند و دیگر، برآوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند، و یارانت در رفع نیاز آنان ناتوانند، کار هر روز را در همان روز انجام ده، زیرا هر روزی، کاری مخصوص به خود دارد. نیکوترین وقتها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن، اگر چه همه وقت برای خداست، آنگاه که نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد. از کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید باخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز، تن را به پرستش خدا اختصاص ده، و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند بی‌عیب و نقصانی انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی. هنگامی که نماز به جماعت می‌خوانی، نه با طولانی کردن نماز مردم را بپراکنی و نه آنکه آن را تباه سازی، زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد، آنگاه که پیامبر (ص) مرا به یمن می‌فرستاد از او پرسیدم، با مردم چگونه نماز بخوانم؟ فرمود: (در حد توان ناتوانان نماز بگذار و بر مومنان مهربان باش).

هیچگاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن والیان، نمونه‌ای از تنگخویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد. پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می‌نماید، و باطل به لباس حق درآید، همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند نمی‌داند، و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود، و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می‌باشی: یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کردی پس نسبت به حق واجبی که باید بپردازی یا کار نیکی که باید انجام دهی ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می‌داری؟ و یا مردی بخیل و تنگ‌نظری، پس مردم چون تو را بنگرند مایوس شده از درخواست کردن بازمانند. با اینکه بسیاری از نیازمندیهای مردم رنجی برای تو نخواهد داشت، که شکایت از ستم دارند یا خواستار عدالتند، یا در خرید و فروش خواهان انصافند.

اخلاق رهبری با خویشاوندان همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان، و به هیچکدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن، و بگونه‌ای با آنان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند، مانند آبیاری مزارع، یا زراعت مشترک، که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کنند، در آن صورت سودش برای آنان، و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو است. حق را مال هر کس که باشد، نزدیک یا دور بپرداز، و در این کار شکیبا باش، و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار، گرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکان فراهم آورد، تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز. و هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، افشاگری نموده عذر خویش را آشکارا در میان بگذار، و با اینکار از بدگمانی نجاتشان ده، که این کار ریاضتی برای خودسازی تو، و مهربانی کردن نسبت به رعیت است، و این پوزش خواهی تو آنان را به حق وامی‌دارد.

که این سودجویی و گران فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخهایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او اسراف نکن.

سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند، از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان، همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری نموده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است، بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمینهای غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیکترینشان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسوول رعایت آن می‌باشی، مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسوولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود، همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند، برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتنند انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان بگونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه، در میان

رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را بگونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند. و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسوولیتی سنگین بر دوش زمامداران است. اگرچه حق، تمامش سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وامی‌دارند، و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند.

پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصا به امور آنان رسیدگی نمایی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند، من از رسول خدا (ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: (ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان، بی اضطراب و بهانه‌ای بازنستاند، رستگار خواهد شد.) پس درشتی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگخویی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد.

اخلاق اختصاصی رهبری بخشی از کارها بگونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند پاسخ دادن به

در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد. برای فرماندهی سپاه کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر (ص) و امام تو بیشتر، و دامن او پاکتر، شکیبایی او برتر باشد، از کسانی که دیر به خشم آید، و عذر پذیرتر باشد، و بر ناتوان رحمت آورد، و با قدرتمندان، با قدرت برخورد نماید، درشتی او را به تجاوز نکشاند، و ناتوانی او را از حرکت باز ندارد. سپس در نظامیان با خانواده‌های ریشه‌دار، دارای شخصیت حساب‌شده، خاندانی پارسا، دارای سوابقی نیکو و درخشان، که دلاور و سلحشور و بخشنده و بلندنظرند، روابط نزدیک برقرار کن، آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده، و نیکی‌ها را در خود گرد آورده‌اند، پس در کارهای آنان بگونه‌ای بیندیش که پدری مهربان درباره فرزندش می‌اندیشد، و مبادا آنچه را که آنان را نیرومند می‌کند در دیده‌ات بزرگ جلوه کند، و نیکوکاری تو نسبت به آنان هرچند اندک باشد را خوار مینداز، زیرا نیکی آنان را به خیرخواهی تو خواند، و گمانشان رانسبت به تو نیکو گرداند، و رسیدگی به امور کوچک آنان را به اعتماد رسیدگی به کارهای بزرگشان وامگذار، زیرا نیکی اندک تو را جایگاهی است که از آن سود می‌برند و نیکی‌های بزرگ تو را جایی است که از آن بی‌نیاز نیستند.

برگزیده‌ترین فرماندهان سپاه تو، کسی باشد که: از همه بیشتر به سربازان کمک رساند، و از امکانات مالی خود بیشتر در اختیارشان گذارد، به اندازه‌ای که خانواده‌هایشان در پشت جبهه، و خودشان در آسایش کامل باشند، تا در نبرد با دشمن، سربازان اسلام تنها به یک چیز بیندیشند. همانا مهربانی تو نسبت به سربازان، دل‌هایشان را به تو می‌کشاند، و همانا، روشنی چشم زمامداران، برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به والی است، که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلبها پدید نمی‌آید، و خیرخواهی آنان زمانی است که با رغبت و شوق پیرامون والی را گرفته، و حکومت بار سنگینی را بر دوش رعیت نگذاشته باشد، و طولانی شدن مدت زمامداری بر ملت ناگوار نباشد. پس آرزوهای سپاهیان را برآور، و همواره از آنان ستایش کن، و کارهای مهمی که انجام داده‌اند بر شمار، زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنان، شجاعان را برمی‌انگیزاند، و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد، ان‌شاءالله.

و در یک ارزشیابی دقیق، رنج و زحمات هر یک از آنان را شناسایی کن، و هرگز تلاش و رنج کسی را به حساب دیگری مگذار، و ارزش خدمت او را ناچیز مشمار، تا شرافت و بزرگی کسی موجب نگردد که کار کوچکش را بزرگ بشماری، یا گمنامی کسی باعث شود که کار بزرگ او را ناچیز بدانی مشکلاتی که در احکام نظامیان برای تو پدید می‌آید، و اموری که برای تو شبهه‌ناکند، به خدا، و رسول خدا (ص) بازگردان، زیرا خدا برای مردمی که علاقه داشت هدایتشان کند فرمود. (ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا و رسول و امامانی که از شما هستند اطاعت کنید، و اگر در چیزی نزاع دارید، آن را به خدا و رسول باز گردانید.) پس بازگرداندن چیزی به خدا یعنی عمل کردن به قرآن، و بازگرداندن به پیامبر (ص) یعنی عمل کردن به سنت او که وحدت بخش است، نه عامل پراکندگی. سپس از میان مردم!

برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد، و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد، در اشتباهاتش پافشاری نکند، و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد، طمع را از دل ریشه کن کند، و در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد، و در شبهات از همه با احتیاط تر عمل کند، و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد، و در مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود، در کشف امور از همه شکیباتر، و پس از آشکار شدن حقیقت در فصل خصومت از همه برنده تر باشد، کسی که ستایش فراوان او را فریب ندهد، و چربزبانی او را منحرف نسازد و چنین کسانی بسیار اندکند!! پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او ببیندیش، و آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد، و به مردم نیازمند نباشد، و از نظر مقام و منزلت آنقدر او را گرمی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند، تا از توطئه آنان در نزد تو درامان باشد. در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران گرفتار آمده بود، که با نام دین به هواپرستی پرداخته، و دنیای خود را به دست می‌آوردند. سپس در امور کارمندان ببیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی، و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیاء از خاندانهای پاکیزه و باتقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر، و آبرویشان محفوظتر، و طمع‌ورزشان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.

سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفاپیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تایید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیافکن.

مالیات و بیت‌المال را بگونه‌ای واری کن که صلاح مالیات دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد، و تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات دهندگانند، باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلابها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد. زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن

ولایت‌های تو نقش دارد، و رعیت تو را می‌ستایند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد، بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت. آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند.

سپس در امور نویسندگان و منشیان به درستی ببیندیش، و کارهایت را به بهترین آنان واگذار، و نامه‌های محرمانه، که دربردارنده سیاستها و اسرار تو است، از میان نویسندگان به کسی اختصاص ده که صالح‌تر از دیگران باشد، کسی که گرمی داشتن او را به سرکشی و تجاوز نکشاند تا در حضور دیگران با تو مخالفت کند، و در رساندن نامه کارگزارانت به تو، یا رساندن پاسخهای تو به آنان کوتاهی نکند، و در آنچه برای تو می‌ستاند یا از طرف تو به آنان تحویل می‌دهد، فراموشکار نباشد. و در تنظیم هیچ قراردادی سستی نورد، و در برهم زدن قراردادی که به زیان توست کوتاهی نکند، و منزلت و قدر خویش را بشناسد، همانا آنکه از شناخت قدر خویش عاجز باشد، در شناخت قدر دیگران جاهل‌تر است مبادا در گزینش نویسندگان و منشیان، بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش‌باوری خود تکیه نمایی، زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌نمایند، که در پس این ظاهرسازی‌ها، نه خیرخواهی وجود دارد، و نه از امانتداری نشانی یافت می‌شود. لکن آنها را با خدماتی که برای زمامداران شایسته و پیشین انجام داده‌اند بیازمای، به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته، و به امانتداری از همه مشهورترند، که چنین انتخاب درستی نشان‌دهنده خیرخواهی تو برای خدا، و مردمی است که حاکم آنانی. برای هر یک از کارهایت سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد، و فراوانی کار او را درمانده نسازد، و بدان که هرگاه در کار نویسندگان و منشیان تو کمبودی وجود داشته باشد که تو بی‌خبر باشی خطرات آن دامنگیر تو خواهد بود. سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابانها و دریاها، و دشتها و کوهستانها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند.

بازرگانان مردمی آرماند، و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی‌طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند، در کار آنها ببیندیش چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم این را هم بدان که در میان بازرگانان، هستند کسانی که تنگنظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگوئی به سود خود می‌اندیشند. و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند،